

## جنبش رو به گسترش کارگری

### به حمایت توده ای و دورنمای روشن نیاز دارد!

فقر و فلاکت و سرکوب، کارد به استخوان کارگران رسانده است. در بسیاری از کارخانه ها، ماه هاست که از پرداخت دستمزد خبری نیست. در بسیاری از کارخانه ها، کارگران را گروه گروه اخراج می کنند. در بسیاری از کارخانه ها، مقاومت و اعتراض کارگری به شکل روزمره ادامه دارد: امروز کارگران حفاری اهواز علیه سیاست خصوصی سازی و نتایج فاجعه بارش بر زندگی و کار خویش به پا می خیزند؛ کارگران معترض چیت سازی بهشهر به تحصن در برابر فرمانداری می پردازند، تظاهرات می کنند و بی اعتنا به اعزام نیروهای انتظامی به محل، جاده تهران - مشهد را می بندند؛ کارگران نساجی سیمین در اصفهان و چیت ری علیه به تعویق چندین و چند ماهه دستمزدها به مبارزه می کنند؛ و فردا شعله این جنبش حق طلبانه از سایر واحدهای تولیدی و خدماتی و محلات کارگری زیانه خواهد کشید.

سران مرتجع جمهوری اسلامی به کارگران می گویند که شکم گرسنه خود و خانواده تان را با وعده پوچ «جامعه مدنی» و «اصلاحات» و «آشتی ملی»، یا با «توکل» به خدای ناموجود پر کنید. دار و دسته های فریبکار «خانه کارگر» و «شوراهای اسلامی» و «کمیسیون کارگری مجلس»، کارگران را به دندان روی جگر گذاشتن و حفظ نظم و آرامش دعوت می کنند. و طعم واقعی این آرامش و آشتی را نیروی انتظامی و قوای مسلح ضد شورش، با گلوله و گاز اشک آور به کارگران مبارز می چشانند.

این وظیفه همه زنان و مردان مبارز و آگاه است که به دفاع و پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه کارگری برخیزند!

این وظیفه همه انقلابیون و آزادیخواهان و ترقیخواهان است که طرح های رژیم برای در هم شکستن این مبارزات و دستگیری فعالین و رهبران جنبش کارگری را محکوم و خنثی کنند!

کارگران در جریان تحصن و اعتصاب و راه بن‌دان، بیش از پیش به قدرت اتحاد و همبستگی خویش پی می برند. آنان در این مدرسه های جنگ، ماهیت ضد کارگری و ارتجاعی همه جناح های رژیم را بیشتر می فهمند، و فوت و فن مبارزه و سازماندهی را بهتر می آموزند. امروز که جمهوری اسلامی از همیشه بحران زده تر، ضعیف تر و چند پاره تر است، کارگران می توانند با پیگیری و قاطعیت رژیم را به عقب نشینی وادارند و روحیه بالاتر و اعتماد بنفس بیشتری بدست آورند. حتی اگر کارگران موفق به تحمیل خواسته های خود به دشمن نشوند و در رویارویی با مزدوران مسلح جمهوری اسلامی موقتا شکست بخورند، آگاهی ضد رژیمی و خشم و نفرت طبقاتی آنان از این نظام تعمیق خواهد یافت و خیلی زود در مبارزاتی رزمنده تر و گسترده تر به نمایش در خواهد آمد.

کارگران به تشکلات مبارزاتی محلی و سراسری خویش که واقعا از رژیم و نهادهای به اصطلاح کارگريش مستقل باشد، نیاز دارند. پیشروی انقلاب نیز به اتحاد و همبستگی و سازماندهی کارگری نیاز دارد. اما جنبش کارگری برای اینکه بتواند واقعا در صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار باشد، باید هر چه بیشتر با مبارزات و خیزشهای اقشار و طبقات گوناگون مردم علیه رژیم ارتجاع اسلامی که دلال سرمایه داری جهانی است، همبسته و متحد شود. باید شعارها و خواسته های سیاسی عمومی مردم از دهان کارگران فریاد شود. باید ستم و استثمار و سرکوب علیه دهقانان تهدیدست و زحمتکشان شهر و روستا، زنان، جوانان، ملل ستمدیده کرد و ترک و بلوچ و ترکمن، دانشجویان و روشنفکران و هنرمندان در قطعنامه مبارزات کارگری محکوم شود.

کارگران به خواسته های اساسی خود دست نخواهند یافت مگر اینکه نظام ستمگرانه موجود و رژیم ارتجاع اسلامی به شکل قهرآمیز ریشه کن شود و به جای آن یک دولت انقلابی نوین و کاملا متفاوت برقرار شود که نماینده و حافظ منافع طبقه کارگر و متحدان تهدیدست و ستمدیده اش در جامعه باشد. این کار عظیم، بدون یک نگرش و دورنمای علمی، انقلابی و انترناسیونالیستی، بدون یک برنامه روشن سیاسی و استراتژی و تاکتیکهای صحیح نظامی، عملی نخواهد شد. به همین دلیل، کارگران در درجه اول و حیاتی تر از هر چیز دیگر، به یک حزب انقلابی رهبری کننده، به یک پیشاهنگ مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، نیاز دارند. حزبی که نه فقط صفوف کارگران که کل توده های ستمدیده را برای انجام یک انقلاب ریشه ای و واقعی از طریق جنگ خلق، متحد کند و مهر پیروزمند رهبری طبقه کارگر را بر این انقلاب بکوبد.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)